

تحلیل شاخص‌های کیفیت زندگی فردی - اجتماعی در فضاهای شهری با تاکید بر جنسیت (مطالعه موردی: شهر سنندج)

زهره فنی - دانشیار جغرافیای انسانی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
فرید واحدی یگانه* - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۶/۱۸

چکیده

رشد سریع شهرنشینی و بی‌توجهی به ابعاد کیفی زندگی انسان، پیامدهای نامطلوبی بر سلامت فردی و اجتماعی جامعه و زندگی شهری گذاشته است. سنجش کیفیت زندگی در شهرها از دیدگاه مردان و زنان متأثر از عوامل بیرونی نظیر فناوری تولید، زیرساخت‌ها و روابط اجتماعی و ...، و عوامل درونی نظیر نهادهای اجتماعی، محیط زیست و ... است. امروزه ضرورت بازنگری در رویکردها و سیاست‌های شهری، با اهداف اصلاح بنیادی نابرابری جنسیتی مورد توجه قرار گرفته است. هرچند برنامه‌ریزی شهری تاکنون به این تفاوت‌ها بی‌توجه بوده است. لذا، هدف این پژوهش، ارزیابی کیفیت زندگی فردی و اجتماعی در فضاهای شهری با تاکید بر جنسیت در شهر سنندج می‌باشد، که ابعاد و مولفه‌های آن‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد از دیدگاه زنان، ابعاد مشارکت، دسترسی، آگاهی و امکانات از کیفیت ضعیف ابعاد عملکرد، آسایش فیزیکی، زیبایی و ایمنی از کیفیت متوسط، و ابعاد آسایش روانی و هویت از کیفیت بالا برخوردارند. همچنین از دیدگاه مردان، ابعاد عملکرد، مشارکت، آسایش فیزیکی، دسترسی و امکانات از کیفیت ضعیف، ابعاد آسایش روانی، زیبایی و آگاهی از کیفیت متوسط، و ابعاد هویت و ایمنی از کیفیت بالا برخوردار بودند. همچنین با استفاده از آزمون رتبه‌بندی فریدمن، به رتبه‌بندی مطلوبیت شاخص‌ها، پرداخته شد. نتایج نشان داد از دیدگاه زنان، شاخص‌های مربوط به هویت با (۹/۳۳) مطلوب‌ترین شاخص؛ و شاخص‌های مربوط به مشارکت (۲/۱۲) نامطلوب‌ترین شاخص هستند. همچنین از دیدگاه مردان، شاخص‌های مربوط به هویت با (۹/۷۴) مطلوب‌ترین شاخص و شاخص‌های مربوط به مشارکت با (۲/۰۴) نامطلوب‌ترین شاخص هستند.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی شهری، سلامت فردی و اجتماعی، عدالت جنسیتی، شهر سنندج

مقدمه

یکی از اهداف مهم هر نظام و ساختار اقتصادی - سیاسی و اجتماعی در جهان، تامین حداکثر رفاه اقتصادی - اجتماعی مردم است (Fani, 2011: 58). شهر سالم با انسان‌های سالم معنا می‌یابد و هر دو موجب به وجود آمدن جامعه‌ای سالم و پویا خواهند شد. شهرنشینی به عنوان یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر سلامت فردی و اجتماعی شهروندان محسوب می‌شود به گونه‌ای که سلامت انسان‌ها، تا حد زیادی تحت تأثیر وضعیت اجتماعی، اقتصادی و محیطی آن‌ها در گرو برنامه‌ها و اهدافی است که شهر برای آن‌ها در نظر گرفته است و ارتقای سطح کیفیت زندگی شهری نیز، در گرو ارتقای سطح سلامت است (Ghadami & Hamkar, 2013: 33). حوزه‌های رفتاری گوناگون در محیط شهری پدیدآورنده فضاهای مختلفی هستند و بر حسب نیاز شهروندان به وجود می‌آیند. بسیاری از این فضاها به صورت فضایی عمومی ظاهر می‌شوند و جالب آنکه هر فضای عمومی در ذهن استفاده‌کنندگان به خرده فضاهای شهری برای هر نفر تقسیم می‌شوند. سهم عمده استفاده‌کنندگان از فضا را زنان و کودکانی تشکیل می‌دهند که فضای شخصی ملموس‌تری دارند. امروزه این اصل پذیرفته شده است که کلیه شهروندان بایستی در دسترسی و استفاده از فضاهای شهری دارای فرصت‌ها و شرایط برابر باشند. علاوه بر این در قرن بیست و یکم، جمعیت شهری دنیا به مرز ۵۰ درصد کل جمعیت جهان رسیده و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۵ میلادی از مرز ۶۱ درصد تجاوز نماید (Ameri siahkoocho et al, 2010: 89).

حیطه مربوط به کیفیت زندگی و سنجش آن شاید در هیچ زمانی به اندازه امروز وسیع نبوده است. اقتصاددانان، دانشمندان علوم اجتماعی و دولت‌مردان هر کدام از دیدگاه خاصی به این مقوله می‌نگرند (Baldwin et al, 1992: 1). این امر از آنجا ناشی می‌شود که شاخص‌های مربوط به کیفیت زندگی طیف وسیعی را دربرمی‌گیرند که از تغذیه و پوشاک گرفته تا مراقبت‌های بهداشتی، محیط اجتماعی و محیط مادی پیرامون را شامل می‌شود. اگرچه کیفیت زندگی در بعضی از منابع به سطح زندگی ترجمه شده است (Jajromi & Kalteh, 2006: 6) ولی سطح زندگی و پیشرفت مادی فقط یکی از پایه‌های کیفیت زندگی را شامل می‌شود (Eckersley, 1999: 10). در واقع مفهوم کیفیت زندگی یک متغیر مرکب می‌باشد که از چندین متغیر متأثر می‌گردد. تغییر در سطح درآمد مردم، شرایط زندگی، وضع سلامت، محیط، فشار روحی روانی، فراغت، شادمانی خانوادگی، روابط اجتماعی و چندین متغیر دیگر نظیر آن به شکل مرکب کیفیت زندگی و تغییرات آن را تعیین می‌کند (Rahman et al, 2003: 1). با این وجود، کمپ و همکارانش در سال ۲۰۰۳ معتقدند که تاکنون چارچوب جامعی برای مطالعه کیفیت زندگی به صورت یکپارچه و متکی بر شاخص‌های فیزیکی، مکانی و اجتماعی ارائه نشده است (Rezvani et al, 2008: 37). تاکنون در ایران همانند برخی از کشورهای در حال توسعه، تفاوت‌های مکانی در مشکلات جنسیتی بهداشت بندرت مورد توجه بوده، اما همانند جریان‌های جهانی افزایش جمعیت، بسیار پیچیده شده‌اند و منجر به کاهش اشتغال و کیفیت زندگی زنان شده است (Mamsen, 2008: 22-47).

پدیده شهرنشینی اجتناب ناپذیر و غیر قابل برگشت است. با وجود فواید زیاد شهرنشینی، بسیاری از سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف روند فزاینده شهرنشینی را زنگ خطری می‌دانند. در بسیاری از نواحی شهری بویژه نواحی شهری کشورهای در حال توسعه بیکاری و مسائل اجتماعی در حال افزایش است، شرایط محیطی و سلامت در حال زوال می‌باشند، نابرابری در دسترسی به درآمد و خدمات عمومی در حال رشد است و شواهد فقر، آسیب‌پذیری و ناامیدی به طور فزاینده‌ای در میان مردم نواحی شهری قابل مشاهده است (Khademolhosseini et al, 2010: 46). کیفیت زندگی محصول تاریخی نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بوده و نمی‌توان آن را مجزا از ساختارهای فوق تبیین کرد. بنابراین مفهوم کیفیت زندگی یک متغیر مرکب می‌باشد و وضعیت آن به سطح توسعه یافتگی جوامع بستگی دارد و می‌توان آن را با طراحی و تدوین شاخص‌هایی، تعریف و اجرا کرد (Shahhosseini & Tavakoli,

(127: 2014). بهبود کیفیت زندگی در هر جامعه‌ای، یکی از مهمترین اهداف سیاست‌های عمومی آن جامعه است. در طول سه دهه اخیر، کیفیت زندگی، به عنوان جانشینی برای رفاه مادی، به اصلی‌ترین هدف اجتماعی کشورهای مختلف تبدیل شده است (Schmitt, 2002). امروزه مطالعات کیفیت زندگی عمدتاً بر محیط شهری و کیفیت زندگی شهری تمرکز کرده است و بررسی آن از ضرورت و اهمیت بسزایی برخوردار است که این امر همواره کانون اصلی توجه برنامه‌ریزان بوده است (Lotfi, 2009: 65).

فضای شهری به همان نسبت که می‌تواند در توسعه عدالت اجتماعی راهگشا باشد، در صورتی که دقت کافی در برنامه‌ریزی و طراحی آن‌ها انجام نشود، می‌تواند عاملی در جهت تعمیق نابرابری‌های اجتماعی شود. اگرچه زنان تقریباً بیش از نیمی از استفاده‌کنندگان از فضا را تشکیل می‌دهند، بازتر از همه درونگراهای افراطی و کسانی که از فضای باز نامحدود هراس دارند، در شلوغی‌ها و فضاهای شهری احساس ناراحتی می‌کنند؛ در صورتی که آن‌ها یک اقلیت در جامعه نیستند این مسئله به نابرابری‌های جنسیتی و ماهیت جنسیتی شده فضاهای شهری بر می‌گردد، در حالی که فضای عادلانه فضایی است که تمام شهروندان آن را متعلق به خود بدانند و بدون احساس خجالت و ترس از آن استفاده کنند. با توجه به مطالب عنوان شده دو سوال مطرح می‌شود و هدف پژوهش حاضر پاسخگویی به سوال‌های زیر است:

- آیا در میزان رضایت از ادراک محیط میان زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد؟

- چه شاخص و متغیرهایی در میزان رضایتمندی از محیط در زنان و مردان تفاوت معنادار دارد؟

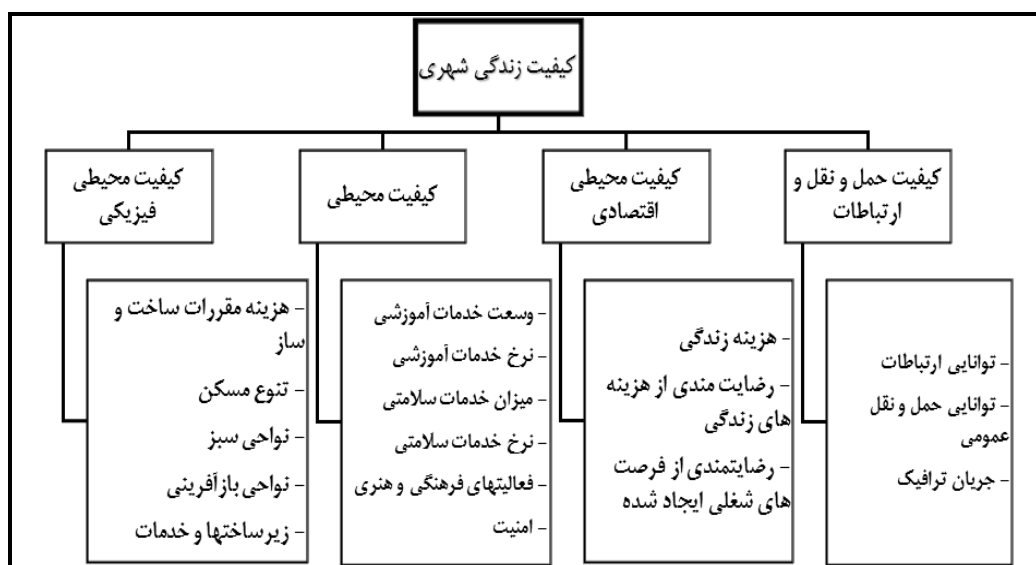
شهر سنج به دلیل رشد سریع شهرنشینی و نیاز به توسعه شهری و نیز به واسطه ضعف نگرش مناسب در نظام هدایت و کنترل توسعه شهری، به موضوع کیفیت زندگی توجه چندانی نشده و با معضلاتی چون ضعف در کیفیت و کمیت فضاها و سرانه‌های خدماتی، عمومی و رفاهی در حد استانداردهای شهری، عدم توجه به مسائل زیست محیطی و عدم تعادل میان رفاه اجتماعی و کارایی اقتصادی (به نفع کارایی اقتصادی) و ... مواجه می‌باشد که در مجموع کیفیت زندگی شهری را با مشکل مواجه نموده است. هدف کلی تحقیق حاضر، بررسی مولفه‌های کیفیت زندگی فردی - اجتماعی در فضاهای شهری با تاکید بر جنسیت افراد در شهر سنج است.

در ادامه به برخی از پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی موضوع این تحقیق پرداخته می‌شود. لی و ونگ در سال ۲۰۰۷ با استفاده از شاخص‌های عینی به مطالعه کیفیت زندگی در شهر ایندیاناپلیس پرداختند. هدف اصلی این مطالعه ارایه روشی برای تلفیق داده‌های سرشماری و سنجش از دور برای ارزیابی کیفیت زندگی در GIS در درون چارچوب شهر ایندیانا پلیس بود. برای استخراج فاکتورهای غیر همبسته کیفیت زندگی از تحلیل عاملی استفاده شده و شاخص ترکیبی کیفیت زندگی براساس وزن‌دهی فاکتورها با استفاده از امتیازات به دست آمده از تحلیل عاملی ایجاد شده است. داس در سال ۲۰۰۸ چارچوب مفهومی برای سنجش کیفیت زندگی شهری پیشنهاد کرده که ارتباط بین محیط و کیفیت زندگی را نشان می‌دهد. این مدل رویکردی پایین به بالا را پیشنهاد می‌کند که در آن هر دوی شاخص‌های عینی و ذهنی برای مطالعه کیفیت کلی زندگی مورد توجه قرار گرفته‌اند. این چارچوب محیط خارجی زندگی یعنی بعد عینی را با ادراک افراد از محیط زندگی‌شان یعنی بعد ذهنی ترکیب می‌کند. ناصر براتی و محمدرضا یزدان‌پناه شاه‌آبادی، در سال ۱۳۹۰ با پژوهشی تحت عنوان "بررسی ارتباط مفهومی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محیط شهری" شهر جدید پردیس را مورد بررسی قرار دادند. هدف آن‌ها از بررسی این شهر ارائه روشی برای اندازه‌گیری میزان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر و بخصوص سطح محلات شهری بود. نتایج کلی این بررسی، که با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بدست آمد، نشان‌دهنده ارتباط معنی‌دار و قابل قبول این دو مفهوم در سطح شهر پردیس بود. محمد اجزا شکوهی و همکاران، در سال ۱۳۹۲ با پژوهشی تحت عنوان "بررسی عوامل موثر بر ارتقا کیفیت زندگی شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی"، ال‌تیمور مشهد را مورد بررسی قرار دادند. نتایج بیانگر آن بود که بین سابقه سکونت و ارتقای کیفیت زندگی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین تفاوت معناداری در میزان رضایتمندی نسل اول و دوم ساکن در این منطقه دیده

نمی‌شود. در نهایت یافته‌های پژوهش نشان داد که به ترتیب شاخص‌های کالبدی و شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی، دارای بالاترین میزان همبستگی نسبت به کیفیت زندگی شهری هستند. ملیحه ایزدی و همکاران، در سال ۱۳۹۵ تحت پژوهشی با عنوان "واکاوی مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از دیدگاه زنان"، منطقه ۴ شهر اصفهان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که، مولفه‌های امنیت محیطی با ضریب همبستگی ۰/۸۷۶، ایمنی با ۰/۸۱۹، پاکیزگی محیط با ۰/۸۲۷، حس تعلق و وابستگی به مکان با ۰/۸۱۴ و زیبایی فضا با ۰/۸۰۶، موثرترین عوامل در میزان رضایت‌مندی در فضاهای عمومی شهر از دیدگاه زنان می‌باشند و عنوان مهمترین عوامل تاثیرگذار بر رضایت‌مندی شهروندان شناسایی شدند. زهره فنی و همکاران، در سال ۱۳۹۴ در پژوهشی با عنوان "شنجش کیفیت زندگی شهری با تاکید بر جنسیت" شهر قروه را بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که، کیفیت زندگی ساکنان شهر قروه در سطح مطلوبی نیست و میانگین تمامی شاخص در مجموع کمتر از ۳ می‌باشد. بیشترین میانگین مربوط به شاخص همسایگی با مقدار ۳/۲ و کمترین میانگین مربوط به شاخص اقتصادی با میانگین ۱/۹۹ است. همچنین نتایج بدست آمده از آزمون T دو نمونه مستقل، گویای آن است که میانگین‌های کیفیت زندگی زنان و مردان در شهر قروه تفاوت معناداری با هم داشته، به گونه‌ای که کیفیت زندگی مردان بهتر از زنان است. در نهایت پاسخ به سوال سوم پژوهش نشان داد که اشتغال نتوانسته است کیفیت زندگی زنان را ارتقاء دهد.

کیفیت زندگی

کیفیت زندگی، در اوایل قرن بیستم میلادی و در پی شروع جنبش نوبآوری از سوی اصلاح طلبان اجتماعی مطرح شد. بحث استاندارد سازی زندگی، پسندیدگی و گسترش آن، دولت‌ها را موظف می‌ساخت تا حداقلی از شرایط مادی و سلامتی را برای زندگی انسان‌ها فراهم سازند. این جنبش در پی بروز مشکلات عدیده‌ای که برای شهروندان در طی قرن نوزدهم میلادی و شروع صنعتی شدن ایجاد شده بود، به وجود آمد. استانداردسازی زندگی، مشکلات مختلفی از جمله تأمین مسکن مناسب، پاک‌سازی شهرها، رسیدگی به وضعیت کارگران و به طور کلی نیازهای اولیه جمعیت را دربرمی‌گرفت. استاندارد زندگی، نماد پیشرفت در دوران نوگرایی و پاسخ به نیازهای متناسب با آن بوده و تبلور عینی ساختن اندیشه‌ها و متعارف ساختن فرد را امکان پذیر کرده است. در دهه ۱۹۶۰ میلادی به دنبال بروز پیامدهای نامطلوب ناشی از رشد اقتصادی نظیر آلودگی محیط زیست، تشدید نابرابری در توزیع درآمد و خدمات و فرصت‌های اجتماعی - اقتصادی، به تدریج در کشورهای توسعه یافته، انگاشت - کیفیت زندگی که یک دیدگاه جامع و چند بعدی را در مورد کیفیت زندگی مردم دربرمی‌گرفت و بسیاری از قلمروهای زندگی، ارزش‌های انسانی، آزادی و عدالت و ملاحظات محیط زیستی را نیز شامل می‌شد، بر تفکر استاندارد زندگی که به جنبه‌های مادی زندگی توجه داشت، چیرگی پیدا کرد (Gilbert, 1996).



شکل ۱. ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری و متغیرهای مورد استفاده (Source: Ghalibaf & Roostaee, 2011)

با توجه به هدف مطالعه پژوهشگران مختلف، کیفیت زندگی نیز متفاوت تعریف شده است. مطالعه این انگاشت که در سال‌های اخیر توجهات زیادی را به خود جلب کرده است بر پایه پذیرش این فرضیه بنیادی صورت گرفته است که "محیط اجتماعی و فیزیکی یک محدوده می‌تواند بر بهزیستی مردم ساکن در آن محدوده اثر بگذارد". همانگونه که بیان گردید، انگاشت کیفیت زندگی، انگاشتی چند جانبه و چند وجهی است که دارای دو بعد عینی و ذهنی می‌باشد. نمونه‌هایی از تعاریف کیفیت زندگی که بر بعد ذهنی، عینی و یا ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی به طور توأم اشاره می‌کنند، در جدول (۱) زیر ارائه شده است.

جدول ۱. نمونه‌هایی از تعاریف کیفیت زندگی

مرجع	تعریف	بعد کیفیت زندگی
Janse (2004)	کیفیت زندگی ساختاری چند بعدی دارد که شامل اجزای کالبدی، عاطفی، روانی، اجتماعی و رفتاری می‌باشد.	-
Hagerty et al (2001)	کیفیت زندگی اصطلاحی است که حاکی از کیفیت کلی زندگی یک شخص است نه فقط بعضی بخش‌های جزء، این به این معنی است که اگر کیفیت زندگی به عرصه‌های جزء خود تقسیم شود، این عرصه‌ها را در مجموع باید کل ساختار را ارائه نمایند.	-
Schalock (2000)	کیفیت زندگی انگاشتی است که منعکس کننده شرایط زندگی فرد در ارتباط با هشت بعد زندگی می‌باشد: بهزیستی عاطفی، روابط بین افراد، رفاه مادی، پیشرفت شخصی، بهزیستی کالبدی، خودمختاری، شمول اجتماعی و حقوق (اجتماعی).	بعد ذهنی
Senlier et al (2009)	کیفیت زندگی به عنوان رابطه بین ادراک فردی و احساسات مردم و تجربیاتی که آن‌ها در درون فضای زندگی خود دارند می‌باشند.	ابعاد عینی و ذهنی

Source: Zolfaghari, 2014: 24

مولفه‌های کیفیت زندگی

باید به خاطر داشته باشیم که حتی زیباترین مکان‌ها و بهترین آن‌ها از لحاظ موقعیت دسترسی و زندگی اگر با فقدان و ضعف دسترسی به منافع و امکانات مواجه باشند، نمی‌توانند برای رفاه ساکنان لذت‌بخش و مفید باشند. کیفیت فراگیر اجتماعی، رویکردی عملگرایانه در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی است که دو مفهوم رفاه و کیفیت زندگی را با هم پیوند می‌دهد و به لحاظ ایدئولوژی به طور جدی مبتنی بر مفهومی برابری طلبانه از همبستگی اجتماعی، تعهد به مقابله با

مطرویدیت اجتماعی و تاکید بر تداوم پذیری است. نتایج مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به ارزیابی سیاست‌ها، رتبه‌بندی مکان‌ها، تدوین استراتژی‌های مدیریت و برنامه‌ریزی‌های شهری کمک کرده و درک و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی برای برنامه‌ریزان و مدیران شهری به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهروندان را تسهیل سازد. علاوه بر این، مطالعات کیفیت زندگی مردم می‌تواند به شناسایی نواحی مساله دار، علل نارضایتی مردم، تاثیر فاکتورهای اجتماعی - جمعیتی بر کیفیت زندگی و ارزیابی کارایی استراتژی‌ها در زمینه کیفیت زندگی کمک کند (Lotfi & Saberi, 2013: 51).

فضاهای شهری

فضاهای عمومی شهری مکان‌های مهمی هستند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در آرامش، رفاه و سطح کیفیت عمومی شهروندان تأثیرگذار می‌باشند، مفهومی که با ارائه امکانات عمومی از جمله پارک، امکانات تفریحی و خدمات اجتماعی و فرهنگی همراه است و با این اعتقاد که آن‌ها در رفاه و آسایش ساکنان سودمند هستند. این ممکن است تأثیرات مهمی بر روی شهروندان داشته باشد تا جایی که وجود فضای عمومی شهری را می‌توان مرتبط با عملکرد حدود فعالیت عمومی دانست (Smith-Low, 2006: 14). فضاهای عمومی نقش بسیار مهمی در توسعه پایدار شهرها دارند و اهمیت آن در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، مسائل بهداشتی و غیره در ادبیات برنامه‌ریزی و طراحی شهری است. دسترسی به فضاهای عمومی، نشان‌دهنده کیفیت زندگی بوده و آثار قابل توجهی در جنبه‌های گوناگون اجتماع و شهروندان، زنده نگه داشتن زندگی شهری، مشارکت، تعامل اجتماعی، رفاه شهروندان (و فضاهای شهری) چشم‌اندازهای زیبا، نشاط و شادابی دارند و همچنین به عنوان مکان‌هایی سالم برای گذران اوقات فراغت شهروندان می‌باشد. این فضاها در تعیین هویت شهر و ارتقاء فرهنگ شهروندان نقش فراوانی دارند (Jafari & Zehtabian, 2006: 1) در ادامه به چند نمونه از دیدگاه اندیشمندان پرداخته می‌شود:

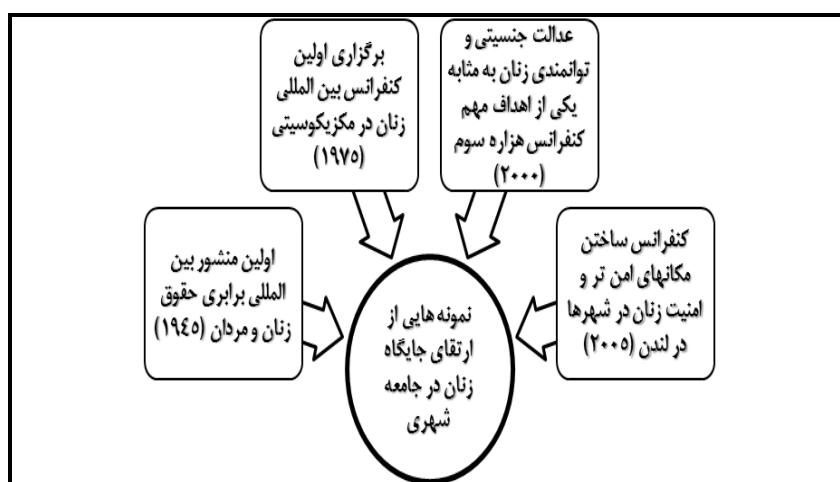
لیپتون^۱، فضای عمومی شهری را با عنوان (اتاق زندگی بیرونی، و مرکز تفریح و فراغت بیرون از خانه) تعریف می‌کند. فضای عمومی مکانی برای بیان تنوع، تولید یک فرآیند داد و ستد و آموزش تحمل و شکیبایی است و مفهوم شهروندی عمدتاً با تعیین کیفیت و نحوه دسترسی به آن تعریف می‌شود (Acierno & Mazza, 2009: 3). فضاهای عمومی در شهر زمینه مشارکت مردم را فراهم آورده و آن‌ها را با هم مرتبط می‌سازد. مامفورد^۲ به همبستگی اجتماعی و ارتباطات متقابل چهره به چهره، تحرک فکر و اندیشه و اهمیت زیبایی شناختی فضاهای شهری تاکید دارد و ارتباطات یک جانبه و خودمحوری‌های سودجویانه را نفی می‌کند (Sharepoor, 2011: 195). بنابراین شرط اساسی برای اینکه یک فضای عمومی، فضای شهری تلقی شود این است که در آن تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد. روی همین اصل هیبرت^۳، تنها راه حل ممکن برای ایجاد ارتباطات عمومی راه، نه روزنامه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، بلکه در حوزه فعالیت فضاهای همگانی می‌داند (Hebert, 2005: 3).

فضاهای شهری در برنامه‌ریزی شهری با رویکرد جنسیتی

امروزه ضرورت بازنگری در رویکردها و سیاست‌های شهری، با اهداف اصلاح بنیادی نابرابری جنسیتی مورد توجه قرار گرفته است. دستیابی به این موضوع، مستلزم ایجاد تعادل و برابری در فرآیند تصمیم‌گیری، برای اطمینان از فرصت‌های برابر برای زنان و مردان است. جنسیت و فضای شهری موضوعی است که محققان شهری به طور عمده در مورد آن ساکت بوده‌اند. اندیشمندان فمینیست توافق دارند که شهر راه، مرد ساخته است، زیرا زنان سهم اندکی در برنامه‌ریزی و ساخت آن داشته‌اند و منافع اندکی از محصور بودن در محیط مرد ساخته می‌برند. محیط ساخته شده بازتابنده

1. Lepton
2. Mumford
3. Hebert

فعالیت‌های مردان، ارزش‌های مردانه و گرایش‌های مردان به فضای سکونتی است (Gottdiener, 2006: 148). لذا از ابزارهای اصلی در امر توسعه، مسأله تحلیل جنسیتی و توجه به جنسیت در امر برنامه‌ریزی است، تا ضمن بررسی وضعیت زنان و نقش آن‌ها و روابط جنسیتی موجود در جامعه، با برنامه‌ریزی صحیح بتوان شرایط موجود را در روند توسعه بهبود بخشید. امروزه عصر توجه برنامه‌ریزان به مفاهیمی چون عدالت جنسیتی است و برنامه‌ریزان شهری در واکنش به رهیافت‌های گذشته که در تعریف، تفسیر و اقدام برای برنامه‌ریزی، تجربه زنان در مدیریت و برنامه‌ریزی به خصوص در زمینه فضاهای عمومی را نادیده می‌گرفت، به شدت به ابعاد جنسیتی حساسیت نشان می‌دهد. مباحث جنس و جنسیت بر ادراک و کاربرد فضاهای شهری اثر می‌گذارد و در سطح کلان مشارکت زنان، نمادی از مشارکت عامه مردم در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، توزیع امکانات مختلف آموزشی، بهداشتی، الگوی اشتغال، الگوهای تربیتی و توزیع ثروت و درآمد، توزیع و توازن قدرت و بهره‌وری از منافع توسعه است (Madanipoor, 2008: 126).



شکل ۲. نمونه‌هایی از تغییر نگرش نسبت به زنان در عرصه جهانی و تلاش در راستای ارتقای جایگاه زنان در جامعه‌ی شهری (Source: Ayzadi et al, 2016)

بی‌تردید تفاوت‌های موجود میان زنان و مردان، نیازهای متفاوتی را در محیط‌های شهری ایجاد می‌کند. هرچند برنامه‌ریزی شهری تاکنون به این تفاوت‌ها بی‌توجه بوده است. معمولاً برنامه‌ریزان شهری به اقدامات مردسالارانه پرداخته‌اند و فضای شهری محصول دست آنان، همگون و بر مبنای علایق و نیازهای یکسان جهانی است. شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد زنان در محیط‌های شهری نادیده گرفته شده و یا در آن‌ها احساس ناامنی می‌کنند. در حالی که تعداد زنان فعال در جامعه در حال افزایش است، الگوهای فضایی و رفتاری نامناسبی برای زنان در شهر وجود دارد. در شهرها، زنان در دستیابی به فضاهای عمومی با محدودیت و امنیت ضعیف فضاهای مزبور برخوردارند. حتی زنان در مکان‌های مختلف، دستیابی متفاوتی به امکانات مورد نیاز خود دارند. بازتاب این وضعیت در قالب نارضایتی زنان از سکونت در شهر جلوه‌گر است. اخیراً خواست‌ها، نیازها، ارزش‌ها و حتی محدودیت‌های جسمانی و روانی زنان در جوامع مختلف، توجه برنامه‌ریزان شهری را به خود جلب کرده است. با این وجود برنامه‌ریزان شهری در بیشتر موارد با رویکرد کالبدی به حل مسائل زنان در شهر پرداخته‌اند و از توجه به سایر جنبه‌های شهری غفلت کرده‌اند (Soltani, 2013). در حال حاضر در جوامع مختلف، بالا بردن سطح دانش و اطلاعات عمومی در تمام زمینه‌ها از جمله حقوق فردی و قوانین شهری، یکی از وظایف و عملکردهای مهم در جامعه می‌باشد. به طوری که توانمندی، ظرفیت‌سازی و مشارکت که از پایه‌های اصلی شهر مطلوب می‌باشند به اهمیت و دانش و آگاهی در زمینه‌های متعدد تاکید فراوان دارند (Frick, 2004: 18).

عدالت جنسیتی در شهر

عدالت از مفاهیم بسیار اساسی در توسعه پایدار است. به صورتی که توسعه پایدار بدون عدالت امکان تحقق نخواهد یافت. عدالت برای انجام هر انجام هر عملی که هدف آن ارتقای سطح کیفی زندگی است یک پیش شرط به شمار می‌آید. رویکرد عدالت جنسیتی موضوعی بسیار مهم در زمینه توسعه پایدار تلقی می‌شود که به مفهوم تاکید بر گروه زنان است (Begum, 2000: 11). در رویکرد عدالت جنسیتی مساله شایان توجه وضعیت زنان در شهر و جامعه و سطح عدالتی مورد نیاز آنهاست (Mohammadi, 2008: 57).

- رفتار عادلانه با مردان و زنان، در فضایی که عدالت به عنوان یک محصول ارزیابی می‌شود و نه بر اساس تدوین استانداردهایی که تفاوت میان زن و مرد را نادیده می‌انگارند.

- عدالت جنسیتی شامل استراتژی‌های هنری برای اقدامات اصلاحی برای تبدیل فضای شهری به عنوان یک کل است تا آن را عادلانه‌تر و برابرانه‌تر کند.

- فضای با رویکرد عدالت جنسیتی جایی است که در آن زن و مرد می‌توانند به عنوان انسان با هم رفتار کنند. هدف این رویکرد توجه به موضوع عدالت و گنجاندن موضوع جنسیت در محیط و استفاده از بهترین روش‌ها به منظور حفاظت از محیط و به تبع آن افزایش کیفیت زندگی مردم است. با ورود هزاره جدید، کشورهای جهان خود را ملزم می‌دانند فضایی خلق کنند که در آن زندگی بهتر با حذف بی‌عدالتی بر پایه نژاد، جنسیت، طبقه و مذهب شکل گیرد. رویکرد عدالت جنسیتی به خوبی به این نکته واقف است که زنان، مردان، پسران و دختران نیازهای متفاوتی دارند و می‌کوشند تا به این نیازهای متفاوت به گونه‌ای برابر پاسخ دهد. ناعدالتی جنسیتی در حال حاضر نشان می‌دهد که نیازهای متفاوت به طور عادلانه برطرف نشده‌اند (Jazani, 2004: 50).

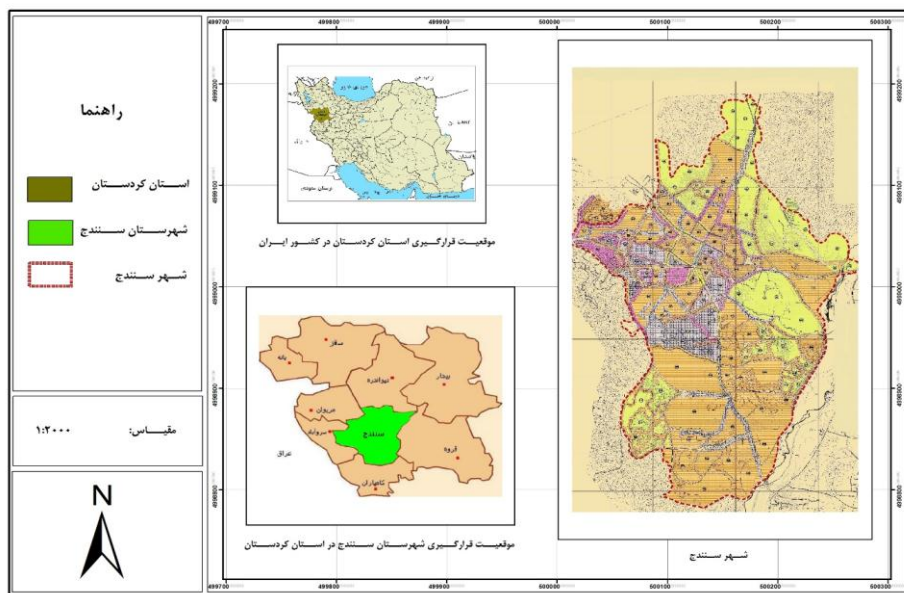
روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است و با توجه به نحوه گردآوری داده از پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی محسوب می‌شود. ابتدا با استفاده از روش اسنادی و بررسی ادبیات موضوعی، منابع موجود در این زمینه جمع‌آوری شد، سپس چارچوب نظری پژوهش تهیه شد. سپس بر اساس چارچوب نظری، متغیرها و چارچوب‌های مسئله تعیین، و از طریق مصاحبه سازمان‌یافته و ابزار پرسش‌نامه اطلاعات جمع‌آوری شد. سپس حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۳۰۰ بدست آمد. پرسش‌نامه بین ۱۵۰ (مرد) و ۱۵۰ (زن) توزیع شد، و تحلیل پایایی پرسش‌نامه نیز با استفاده آلفای کرونباخ عدد ۰/۹۹۷ بدست آمد که نشان از مطلوب بودن آزمون پرسش‌نامه دارد. و در نهایت نتایج حاصله از طریق SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

محدوده مورد مطالعه

منطقه مورد پژوهش شهر سنندج، مرکز استان کردستان در غرب کشور قرار گرفته است که دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد: به لحاظ جغرافیایی در مرکز استان قرار گرفته است، با توجه به سرشماری سال ۱۳۹۰ (Statistical center of iran, 2011)، جمعیت شهر سنندج به ۳۷۳۹۸۷ نفر رسیده و ۱۴۵۰ تا ۱۵۳۸ متر ارتفاع از سطح دریا قرار گرفته است. این شهر دارای اقلیم نیمه‌خشک مدیترانه‌ای است. قرارگیری بخش مرکزی شهر سنندج در فضای کاسه‌ای شکل منجر به ایجاد دید از بیرون مناسب از ارتفاعات همجوار و بخش‌های مختلف ورود به شهر می‌باشد. توسعه تاریخی و کالبدی شهر سنندج ۶ مرحله را سپری کرده است: ۱. زمان و چگونگی احداث شهر (در سال ۱۰۴۶ توسط سلیمان خان

اردلان)، ۲. ساختار کالبدی - فضایی شهر سنندج در دوره صفویه و قاجاریه، ۳. ساختار کالبدی - فضایی شهر سنندج در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰، ۴. ساختار کالبدی - فضایی در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰، ۵. ساختار کالبدی - فضایی در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷، ۶. ساختار کالبدی - فضایی از سال ۱۳۵۷ تاکنون. که هر کدام از ادوار ویژگی‌های خاص خود را دارند.



شکل ۳. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

یافته‌های توصیفی

در این پژوهش ۳۰۰ نفر (۱۵۰ زن و ۱۵۰ مرد)، در مورد کیفیت زندگی در فضاهای شهری سنندج با تاکید بر جنسیت مورد پرسش‌گری قرار گرفته‌اند، که در ادامه به بررسی دیدگاه‌های هر کدام از این دسته‌ها (زن و مرد)، پرداخته می‌شود. در این پژوهش در مورد کیفیت زندگی، ۱۰ بعد و ۳۷ مولفه بررسی شدند، که در ادامه وضعیت هر کدام را تجزیه و تحلیل خواهیم کرد.

کیفیت زندگی در فضاهای شهری سنندج از دیدگاه زنان

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌فرمایید، ابعاد و مولفه‌های آن‌ها نتایج متفاوتی را نشان می‌دهند. به عنوان مثال در بعد (عملکرد) از دیدگاه زنان، ناکارآمدی آن به وضوح دیده می‌شود (با بیش از ۷۰ درصد کیفیت متوسط به پایین). همچنین ابعاد (مشارکت، آسایش فیزیکی، زیبایی، دسترسی، آگاهی و امکانات) به ترتیب با میانگین درصدی (حدود ۸۰ درصد، بیش از ۶۰ درصد، بیش از ۶۰ درصد، حدود ۹۰ درصد، بیش از ۸۰ درصد و بیش از ۸۰ درصد)، کیفیت با ارزیابی متوسط به پایین از دیدگاه زنان بدست آمده است. با توجه به جدول (۲) مشاهده می‌شود که ابعاد (مشارکت و دسترسی) از دیدگاه زنان، کمترین کیفیت را دارا می‌باشند (به ترتیب با بیش از ۸۰ درصد و حدود ۹۰ درصد). اما ابعاد (آسایش روانی، ایمنی و هویت) و مولفه‌های مربوط به آن‌ها از شرایط بهتری نسبت به ابعاد دیگر برخوردارند. مشاهده می‌شود که بعد آسایش روانی با میانگین درصدی بیش از ۷۰ درصد متوسط به بالا، بعد ایمنی با میانگین درصدی ۶۰ درصد متوسط به بالا و بعد هویت مکانی با بیش از ۹۰ درصد میانگین درصدی متوسط به بالا، در شرایط مطلوبی قرار دارند (از دیدگاه زنان). همچنین جدول (۲) نشان می‌دهد که مولفه‌های (امکان مشارکت در طراحی فضاهای عمومی، وجود فضای

مناسب مشارکتی برای گفتگوی شهروندان زن، میزان جذابیت و تنوع فضاها، دسترسی برابر زنان و مردان به فضاهای عمومی شهر، دسترسی شهروندان به مسئولان، دانش شهروندی، تاسیسات و تجهیزات مناسب و امکانات مناسب تفریحی و گذران اوقات فراغت) با بیش از ۹۰ درصد ارزیابی متوسط به پایین در شرایط بسیار نامطلوبی از دیدگاه زنان قرار دارند.

جدول ۲. درصد فراوانی مولفه‌های کیفیت زندگی از دیدگاه زنان

ردیف	ابعاد	مولفه‌ها	درصد فراوانی از نظر زنان			
			خیلی کم	کم	متوسط	زیاد
۱	عملکرد	عملکرد و کیفیت عناصر و کاربری‌ها	۱۱	۲۹	۴۶	۱۱
۲		تنوع کاربری‌ها	۱۴	۲۴	۲۵	۲۷
۳		سطح سرویس‌دهی کاربری‌ها	۲۲	۲۵	۲۲	۲۱
۴		کاربری متناسب با زمان (فصلی، شبانه‌روزی، ایام خاص)	۱۵	۳۱	۱۴	۲۱
۵	مشارکت	امکان مشارکت در طراحی فضاهای عمومی	۴۲	۴۴	۷	۷
۶		مدیریت مشارکتی شهر	۳۴	۳۸	۱۵	۱۳
۷		وجود فضای مناسب مشارکتی برای گفتگوی شهروندان زن	۶۵	۱۵	۱۱	۹
۸		امکان مشارکت ذهنی و فیزیکی	۳۲	۳۱	۱۵	۱۷
۹		شرکت در انجمن‌ها و نهادهای مردمی	۳۴	۴۱	۹	۱۳
۱۰	آسایش فیزیکی	آسایش در حرکت	۷	۱۵	۱۴	۴۹
۱۱		وجود امکانات و تجهیزات کافی	۶	۲۳	۲۶	۲۹
۱۲		کیفیت امکانات و تجهیزات	۱۹	۳۰	۱۸	۲۱
۱۳		دسترسی مناسب به امکانات و تجهیزات	۱۳	۱۱	۱۵	۲۹
۱۴	آسایش روانی	میزان بهره‌مندی از محیط طبیعی	۱۰	۱۵	۱۵	۴۰
۱۵		آسایش در تعامل با افراد	۷	۹	۱۱	۴۶
۱۶		آسایش در استفاده از محیط	۵	۱۵	۱۹	۳۴
۱۷		راحتی و سرزندگی در فضاها	۱۳	۱۱	۱۵	۴۱
۱۸	زیبایی	تجربه‌ی حسی در فضا	۱۴	۱۹	۱۸	۳۶
۱۹		وجود فضاهای الهام بخش	۱۳	۱۷	۴۰	۲۰
۲۰		میزان زیبایی فضاهای عمومی شهری	۱۳	۲۲	۱۰	۲۷
۲۱		میزان جذابیت و تنوع فضاها	۳۴	۳۴	۲۱	۱۰
۲۲		پاکیزگی فضاها و محیط	۱۴	۱۵	۱۵	۴۴
۲۳	ایمنی	حفاظت در مقابل وضعیت جوی	۳۱	۳۲	۱۵	۱۹
۲۴		حفاظت در مقابل آمد و شد سواره	۴	۵	۲۵	۴۶
۲۵		حفاظت در مقابل جرم و جنایت	۱۶	۱۹	۲۹	۲۳
۲۶	دسترسی	دسترسی راحت به حمل و نقل عمومی امن	۳	۱۱	۱۴	۵۶
۲۷		دسترسی برابر زنان و مردان به فضاهای عمومی شهر	۴۶	۴۵	۸	۱
۲۸		دسترسی به فضاهای مختلف شهر با وسایل حمل و نقل متنوع	۴۶	۲۷	۱۵	۱۱
۲۹		دسترسی شهروندان به مسئولان شهری	۶۲	۳۰	۷	۱
۳۰		دسترسی به فضای مناسب برای فعالیت‌های ورزشی، فرهنگی و...	۲۹	۲۸	۱۸	۲۱
۳۱	هویت	حس تعلق و وابستگی به مکان	۳	۵	۱۳	۲۱
۳۲		هویت مکانی	۷	۱۵	۱۳	۳۸
۳۳	آگاهی	دانش شهروندی	۵۰	۳۲	۱۳	۳
۳۴		فرهنگ شهروندی	۱۹	۲۱	۲۶	۲۱
۳۵	امکانات	مبلغان شهری مناسب	۱۵	۲۵	۲۰	۳۰
۳۶		تاسیسات و تجهیزات مناسب (سرویس بهداشتی، آب‌خوری و...)	۴۸	۳۵	۷	۱۰
۳۷		امکانات مناسب تفریحی و گذران اوقات فراغت	۳۹	۴۵	۹	۶

در جدول (۳)، ضریب همبستگی، واریانس، انحراف معیار و میانگین مولفه‌ها به طور دقیق محاسبه شده است، که نشان دهنده کیفیت یا عدم کیفیت هر کدام از مولفه‌هاست. از دیدگاه زنان، مولفه‌هایی مانند: آسایش در حرکت، میزان بهره‌مندی از محیط طبیعی، آسایش در تعامل با افراد، حفاظت در مقابل آمد و شد سواره، دسترسی راحت به حمل و نقل عمومی امن و حس تعلق و وابستگی به مکان؛ از کیفیت مطلوب از نظر رضایت‌مندی برخوردارند. در مقابل مولفه‌هایی مانند: کل مولفه‌های مشارکت، کل مولفه‌های دسترسی، دانش شهروندی و تاسیسات و تجهیزات مناسب؛ از کیفیت بسیار پایینی از لحاظ رضایت‌مندی ساکنین زن و با توجه به تجزیه و تحلیل آماری، برخوردارند.

جدول ۳. ضریب همبستگی، واریانس، انحراف معیار و میانگین مولفه‌ها از دیدگاه زنان

ردیف	ابعاد	مولفه‌ها	ضریب همبستگی	واریانس	انحراف معیار	میانگین
۱	عملکرد	عملکرد و کیفیت عناصر و کاربری‌ها	۰/۸۶۷	۰/۸۴۵	۰/۹۱۹	۲/۶۵
۲		تنوع کاربری‌ها	۰/۸۸۸	۱/۴۸	۱/۲۱	۲/۹۴
۳		سطح سرویس‌دهی کاربری‌ها	۰/۸۴۰	۱/۶۶	۱/۲۸	۲/۷۳
۴		کاربری متناسب با زمان (فصلی، شبانه‌روزی، ایام خاص)	۰/۸۵۲	۱/۸۹	۱/۳۷	۲/۹۸
۵	مشارکت	امکان مشارکت در طراحی فضاهای عمومی	۰/۹۱۴	۰/۷۱۰	۰/۸۴۲	۱/۷۸
۶		مدیریت مشارکتی شهر	۰/۸۴۳	۱/۰۲	۱/۰۱	۲/۰۸
۷		وجود فضای مناسب مشارکتی برای گفتگوی شهروندان زن	۰/۶۷۴	۱/۰۲	۱/۰۰	۱/۶۵
۸		امکان مشارکت ذهنی و فیزیکی	۰/۸۱۸	۱/۴۸	۱/۲۱	۲/۲۹
۹	آسایش فیزیکی	شرکت در انجمن‌ها و نهادهای مردمی	۰/۸۵۱	۱/۱۹	۱/۰۹	۲/۰۹
۱۰		آسایش در حرکت	۰/۹۱۲	۱/۲۹	۱/۱۳	۳/۵۰
۱۱		وجود امکانات و تجهیزات کافی	۰/۸۵۴	۱/۳۴	۱/۱۵	۳/۲۵
۱۲		کیفیت امکانات و تجهیزات	۰/۸۳۷	۱/۷۱	۱/۳۰	۲/۷۶
۱۳	آسایش روانی	دسترسی مناسب به امکانات و تجهیزات	۰/۸۵۰	۱/۸۹	۱/۳۷	۳/۵۷
۱۴		میزان بهره‌مندی از محیط طبیعی	۰/۹۱۶	۱/۵۲	۱/۲۳	۳/۴۶
۱۵		آسایش در تعامل با افراد	۰/۷۹۹	۱/۳۳	۱/۱۵	۳/۷۶
۱۶		آسایش در استفاده از محیط	۰/۸۶۵	۱/۳۵	۱/۱۶	۳/۶۴
۱۷	زیبایی	راحتی و سرزندگی در فضاها	۰/۹۱۳	۱/۶۴	۱/۲۸	۳/۴۴
۱۸		تجربه‌ی حسی در فضا	۰/۸۹۷	۱/۶۲	۱/۲۷	۳/۱۴
۱۹		وجود فضاهای الهام‌بخش	۰/۸۴۰	۱/۲۸	۱/۱۳	۲/۹۸
۲۰		میزان زیبایی فضاهای عمومی شهری	۰/۸۶۲	۲/۰۳	۱/۴۲	۳/۳۴
۲۱	ایمنی	میزان جذابیت و تنوع فضاها	۰/۸۳۳	۱/۰۰	۱/۰۰	۲/۰۸
۲۲		پاکیزگی فضاها و محیط	۰/۹۱۹	۱/۵۷	۱/۲۵	۳/۲۶
۲۳		حفاظت در مقابل وضعیت جوی	۰/۸۱۰	۱/۳۸	۱/۱۷	۲/۳۱
۲۴		حفاظت در مقابل آمد و شد سواره	۰/۸۸۰	۰/۹۵۲	۰/۹۷۵	۳/۷۲
۲۵	دسترسی	حفاظت در مقابل جرم و جنایت	۰/۸۷۲	۱/۵۸	۱/۲۵	۳/۰۰
۲۶		دسترسی راحت به حمل و نقل عمومی امن	۰/۸۶۱	۰/۹۵۵	۰/۹۷۷	۳/۶۸
۲۷		دسترسی برابر زنان و مردان به فضاهای عمومی شهر	۰/۸۳۹	۰/۴۷۲	۰/۶۸۶	۱/۶۴
۲۸		دسترسی به فضاهای مختلف شهر با وسایل حمل و نقل متنوع	۰/۸۱۶	۱/۱۶	۱/۰۷	۱/۹۳
۲۹	هویت	دسترسی شهروندان به مسئولان شهری	۰/۶۸۷	۰/۴۶۶	۰/۶۸۲	۱/۴۷
۳۰		دسترسی به فضای مناسب برای فعالیت‌های ورزشی و...	۰/۸۰۶	۱/۴۹	۱/۲۲	۲/۴۴
۳۱		حس تعلق و وابستگی به مکان	۰/۸۴۵	۱/۰۷	۱/۰۳	۴/۲۸
۳۲		هویت مکانی	۰/۸۴۰	۱/۵۱	۱/۲۲	۳/۶۲
۳۳	آگاهی	دانش شهروندی	۰/۸۰۹	۰/۸۹۱	۰/۹۴۴	۱/۷۶
۳۴		فرهنگ شهروندی	۰/۸۷۵	۱/۵۹	۱/۲۶	۲/۸۸
۳۵	امکانات	میلان شهری مناسب	۰/۸۹۰	۱/۵۶	۱/۲۵	۲/۹۴
۳۶		تاسیسات و تجهیزات مناسب (سرویس بهداشتی و...)	۰/۸۳۶	۰/۹۱۳	۰/۹۵۵	۱/۸۰
۳۷		امکانات مناسب تفریحی و گذران اوقات فراغت	۰/۹۲۴	۰/۸۲۴	۰/۹۰۷	۱/۸۵

کیفیت زندگی در فضاهای شهری سنندج از دیدگاه مردان

جدول (۴)، کیفیت زندگی در فضاهای شهری سنندج را از دیدگاه مردان به خوبی نشان می‌دهد. بر اساس این جدول ابعاد (عملکرد، مشارکت، آسایش فیزیکی، دسترسی، آگاهی و امکانات) هر کدام به ترتیب با میانگین درصدی (بیش از ۷۰ درصد، بیش از ۹۰ درصد، بیش از ۸۰ درصد، حدود ۹۰ درصد، حدود ۷۰ درصد و حدود ۹۰ درصد) متوسط به پایین، ضعیف ارزیابی شده‌اند. و ابعاد (آسایش روانی، زیبایی، ایمنی و هویت)، هر کدام به ترتیب با میانگین درصدی (بیش از ۷۰ درصد، بیش از ۶۰ درصد، بیش از ۸۰ درصد و بیش از ۹۰ درصد) متوسط به بالا، باکیفیت و مطلوب ارزیابی شده‌اند. همچنین جدول (۴) نشان می‌دهد که مولفه‌های (سطح سرویس دهی کاربری‌ها، امکان مشارکت در طراحی فضاهای عمومی، مدیریت مشارکتی شهر، وجود فضای مناسب مشارکتی برای گفتگوی شهروندان زن، وجود امکانات و تجهیزات کافی، دسترسی برابر زنان و مردان به فضاهای عمومی شهر، دسترسی به فضاهای عمومی شهر با وسایل حمل و نقل متنوع، دسترسی شهروندان به مسئولان شهری و تجهیزات و تاسیسات مناسب)، هر کدام با بیش از ۹۰ درصد پاسخ‌های متوسط به پایین از نظر مردان از کیفیت بسیار نامطلوبی برخوردار بوده‌اند.

جدول ۴. درصد فراوانی مولفه‌های کیفیت زندگی از دیدگاه مردان

ردیف	ابعاد	مولفه‌ها	درصد فراوانی از نظر مردان				
			خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	عملکرد	عملکرد و کیفیت عناصر و کاربری‌ها	۱۴	۲۵	۴۶	۸	۷
۲		تنوع کاربری‌ها	۱۹	۲۵	۲۹	۱۸	۹
۳		سطح سرویس دهی کاربری‌ها	۱۶	۳۱	۳۹	۳	۱
۴		کاربری متناسب با زمان (فصلی، شبانه روزی، ایام خاص)	۱۳	۲۰	۱۳	۳۴	۲۰
۵	مشارکت	امکان مشارکت در طراحی فضاهای عمومی	۶۵	۲۳	۷	۵	۰
۶		مدیریت مشارکتی شهر	۴۸	۳۲	۱۳	۷	۰
۷		وجود فضای مناسب مشارکتی برای گفتگوی شهروندان زن	۴۴	۳۸	۱۵	۲	۱
۸		امکان مشارکت ذهنی و فیزیکی	۳۴	۳۹	۱۵	۹	۳
۹		شرکت در انجمن‌ها و نهادهای مردمی	۴۰	۳۳	۷	۱۳	۷
۱۰	آسایش فیزیکی	آسایش در حرکت	۲۹	۳۲	۲۵	۱۳	۱
۱۱		وجود امکانات و تجهیزات کافی	۳۳	۳۳	۳۳	۱	۰
۱۲		کیفیت امکانات و تجهیزات	۱۳	۱۳	۹	۴۰	۲۵
۱۳	آسایش روانی	دسترسی مناسب به امکانات و تجهیزات	۲۵	۳۰	۲۹	۱۰	۶
۱۴		میزان بهره‌مندی از محیط طبیعی	۲۲	۱۹	۳۰	۲۵	۴
۱۵		آسایش در تعامل با افراد	۴	۵	۱۳	۲۲	۵۶
۱۶		آسایش در استفاده از محیط	۱۲	۱۱	۱۶	۳۸	۲۳
۱۷	زیبایی	راحتی و سرزندگی در فضاها	۹	۱۸	۳۹	۲۷	۷
۱۸		تجربه حسی در فضا	۲۶	۲۶	۱۴	۲۸	۶
۱۹		وجود فضاهای الهام بخش	۱۲	۸	۲۰	۳۳	۲۷
۲۰		میزان زیبایی فضاهای عمومی شهری	۲۷	۱۵	۲۰	۲۰	۱۸
۲۱		میزان جذابیت و تنوع فضاها	۲۷	۲۶	۱۸	۲۰	۹
۲۲	ایمنی	پاکیزگی فضاها و محیط	۸	۱۱	۱۳	۴۰	۲۸
۲۳		حفاظت در مقابل وضعیت جوی	۱۹	۲۶	۳۱	۲۰	۴
۲۴		حفاظت در مقابل آمد و شد سواره	۴	۱۰	۱۱	۲۷	۴۸
۲۵	دسترسی	حفاظت در مقابل جرم و جنایت	۶	۷	۱۷	۲۷	۴۳
۲۶		دسترسی راحت به حمل و نقل عمومی امن	۱۵	۲۱	۱۳	۳۸	۱۳
۲۷		دسترسی برابر زنان و مردان به فضاهای عمومی شهر	۶۹	۲۶	۵	۰	۰

۲۸		دسترسی به فضاهای مختلف شهر با وسایل حمل و نقل متنوع	۴۶	۳۵	۱۳	۴	۲
۲۹		دسترسی شهروندان به مسئولان شهری	۶۳	۲۸	۸	۱	۰
۳۰		دسترسی به فضای مناسب برای فعالیتهای ورزشی، فرهنگی و...	۲۵	۲۶	۲۱	۲۰	۸
۳۱	هویت	حس تعلق و وابستگی به مکان	۰	۶	۹	۲۰	۶۵
۳۲		هویت مکانی	۹	۱۰	۱۳	۳۳	۳۸
۳۳	آگاهی	دانش شهروندی	۳۸	۳۱	۱۱	۱۳	۷
۳۴		فرهنگ شهروندی	۱۱	۹	۳۱	۲۹	۲۰
۳۵	امکانات	میلمان شهری مناسب	۴۱	۳۳	۱۳	۱۳	۱۰
۳۶		تاسیسات و تجهیزات مناسب (سرویس بهداشتی، آبخوری و...)	۶۴	۲۹	۵	۲	۰
۳۷		امکانات مناسب تفریحی و گذران اوقات فراغت	۳۶	۲۵	۱۹	۱۳	۷

همان طور که جدول (۵) نشان می‌دهد، مولفه‌هایی مانند: کیفیت امکانات و تجهیزات، آسایش در تعامل با افراد، آسایش در استفاده از محیط، حفاظت در مقابل آمد و شد سواره، حس تعلق و وابستگی به مکان، هویت مکانی و فرهنگ شهروندی؛ از دیدگاه مردان، از کیفیت و رضایت‌مندی بالایی برخوردار است، و در مقابل، مولفه‌هایی مانند: کل مولفه‌های بعد مشارکت، کل مولفه‌های دسترسی و تاسیسات و تجهیزات مناسب، از مطلوبیت و کیفیت پایینی برخوردارند (با توجه به ضریب همبستگی کندال، واریانس، انحراف معیار و میانگین مولفه‌ها).

جدول ۵. ضریب همبستگی، واریانس، انحراف معیار و میانگین مولفه‌ها از دیدگاه مردان

ردیف	ابعاد	مولفه‌ها	ضریب همبستگی (کندال)	واریانس	انحراف معیار	میانگین
۱	عملکرد	عملکرد و کیفیت عناصر و کاربری‌ها	۰/۸۴۳	۱/۰۸	۱/۰۳	۲/۶۷
۲		تنوع کاربری‌ها	۰/۸۷۸	۱/۵۱	۱/۲۲	۲/۷۳
۳		سطح سرویس‌دهی کاربری‌ها	۰/۷۶۳	۰/۷۳۰	۰/۸۵۴	۲/۱۸
۴		کاربری متناسب با زمان (فصلی، شبانه روزی، ایام خاص)	۰/۸۹۳	۱/۸۰	۱/۳۴	۳/۲۶
۵	مشارکت	امکان مشارکت در طراحی فضاهای عمومی	۰/۶۸۷	۰/۷۲۰	۰/۸۴۸	۱/۵۳
۶		مدیریت مشارکتی شهر	۰/۸۱۲	۰/۸۳۴	۰/۹۱۳	۱/۷۷
۷		وجود فضای مناسب مشارکتی برای گفتگوی شهروندان زن	۰/۸۵۸	۰/۶۸۷	۰/۸۲۵	۱/۷۷
۸		امکان مشارکت ذهنی و فیزیکی	۰/۸۴۴	۱/۱۰	۱/۰۴	۲/۰۸
۹		شرکت در انجمن‌ها و نهادهای مردمی	۰/۸۶۹	۱/۶۲	۱/۲۷	۲/۱۴
۱۰	آسایش فیزیکی	آسایش در حرکت	۰/۸۳۵	۱/۱۰	۱/۰۵	۲/۲۵
۱۱		وجود امکانات و تجهیزات کافی	۰/۷۹۷	۰/۷۱۷	۰/۸۴۶	۲/۰۳
۱۲		کیفیت امکانات و تجهیزات	۰/۸۶۴	۱/۸۲	۱/۳۴	۳/۵۱
۱۳		دسترسی مناسب به امکانات و تجهیزات	۰/۸۵۴	۱/۳۴	۱/۱۶	۲/۴۴
۱۴	آسایش روانی	میزان بهره‌مندی از محیط طبیعی	۰/۸۶۹	۱/۳۹	۱/۱۸	۲/۶۹
۱۵		آسایش در تعامل با افراد	۰/۸۲۳	۱/۲۲	۱/۱۰	۴/۲۰
۱۶		آسایش در استفاده از محیط	۰/۹۰۴	۱/۶۴	۱/۲۸	۳/۴۹
۱۷		راحتی و سرزندگی در فضاها	۰/۸۲۲	۱/۱۱	۱/۰۵	۳/۰۵
۱۸		تجربه‌ی حسی در فضا	۰/۸۱۵	۱/۶۸	۱/۲۹	۲/۶۲
۱۹	زیبایی	وجود فضاهای الهام بخش	۰/۸۸۸	۱/۶۷	۱/۲۹	۳/۵۴
۲۰		میزان زیبایی فضاهای عمومی شهری	۰/۸۵۱	۲/۱۵	۱/۴۶	۲/۸۶
۲۱		میزان جذابیت و تنوع فضاها	۰/۸۲۳	۱/۷۲	۱/۳۱	۲/۵۶
۲۲		پاکیزگی فضاها و محیط	۰/۸۵۱	۲/۱۵	۱/۴۶	۲/۸۶

۲/۶۴	۱/۱۱	۱/۲۵	۰/۸۷۴	حفاظت در مقابل وضعیت جوی	ایمنی	۲۳
۴/۰۴	۱/۱۶	۱/۳۶	۰/۸۰۳	حفاظت در مقابل آمد و شد سواره		۲۴
۳/۹۴	۱/۱۹	۱/۴۳	۰/۸۰۶	حفاظت در مقابل جرم و جنایت		۲۵
۳/۱۲	۱/۳۱	۱/۷۲	۰/۹۲۰	دسترسی راحت به حمل و نقل عمومی امن	دسترسی	۲۶
۱/۳۶	۰/۵۸۴	۰/۳۴۱	۰/۶۳۶	دسترسی برابر زنان و مردان به فضاهای عمومی شهر		۲۷
۱/۸۰	۰/۹۴۸	۰/۸۹۹	۰/۸۳۳	دسترسی به فضاهای مختلف شهر با وسایل حمل و نقل متنوع		۲۸
۱/۴۶	۰/۶۷۱	۰/۴۵۱	۰/۶۷۸	دسترسی شهروندان به مسئولان شهری		۲۹
۲/۶۰	۱/۲۷	۱/۶۲	۰/۸۳۳	دسترسی به فضای مناسب برای فعالیت‌های ورزشی و...		۳۰
۴/۳۶	۰/۸۸۵	۰/۷۸۴	۰/۸۵۶	حس تعلق و وابستگی به مکان	هویت	۳۱
۳/۸۸	۱/۱۸	۱/۴۰	۰/۸۰۲	هویت مکانی		۳۲
۲/۲۶	۱/۲۲	۱/۴۹	۰/۸۳۱	دانش شهروندی	آگاهی	۳۳
۳/۳۹	۱/۲۰	۱/۴۶	۰/۸۵۴	فرهنگ شهروندی		۳۴
۲/۲۸	۱/۳۷	۱/۸۹	۰/۸۳۸	میلان شهری مناسب	امکانات	۳۵
۱/۴۶	۰/۷۱۰	۰/۵۰۵	۰/۶۷۰	تاسیسات و تجهیزات مناسب (سرویس بهداشتی و...)		۳۶
۲/۴۱	۲/۰۴	۴/۱۹	۰/۸۴۲	امکانات مناسب تفریحی و گذران اوقات فراغت		۳۷

یافته‌های تحلیلی

برای رتبه‌بندی مطلوبیت شاخص‌های ده گانه کیفیت زندگی از دیدگاه زنان و مردان از آزمون فریدمن استفاده شده است. آزمون فریدمن زمانی بکار می‌رود که مقیاس اندازه‌گیری حداقل در سطح ترتیبی باشد. پس، آزمون فریدمن برای تجزیه واریانس دو طرفه از طریق رتبه‌بندی، و همچنین مقایسه میانگین رتبه‌بندی گروه‌های مختلف بکار می‌رود. جدول (۶)، بیانگر آن است که از دیدگاه زنان، شاخص‌های مربوط به هویت با ارزش عددی (۹/۳۳) مطلوب‌ترین شاخص، شاخص‌های مرتبط با "دسترسی، آسایش فیزیکی، آسایش روانی، زیبایی، امنیت، عملکرد، ایمنی و آگاهی" به ترتیب با ارزش عددی "۷/۸۱، ۷/۷، ۱۰/۲۱، ۷/۷، ۶/۰۶، ۵/۴۳، ۴/۴۰، ۳/۳۹ و ۲/۱۶" در رده‌های بعدی قرار دارند و شاخص‌های مرتبط با مشارکت با ارزش عددی (۲/۱۲) نامطلوب‌ترین شاخص است. همچنین، از دیدگاه مردان، شاخص‌های مربوط به هویت با ارزش عددی (۹/۷۴) مطلوب‌ترین شاخص، و شاخص‌های مربوط به "دسترسی، آسایش روانی، عملکرد، ایمنی، زیبایی، امنیت، آگاهی و آسایش فیزیکی" به ترتیب با ارزش عددی "۷/۴۵، ۵/۹۰، ۷/۴۵، ۵/۹۰، ۵/۵۰، ۷۰/۸۷، ۵/۶۰، ۴/۳۲، ۴/۲۳ و ۴/۱۴" در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند و شاخص‌های مربوط به مشارکت با ارزش عددی (۲،۰۴) نامطلوب‌ترین شاخص است.

جدول ۶. آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی مطلوبیت شاخص‌ها

مردان		زنان		شاخص‌های مربوط به
رتبه	میانگین رتبه	رتبه	میانگین رتبه	
۴	۵/۸۷	۷	۴/۴۰	عملکرد
۱۰	۲/۰۴	۱۰	۲/۱۲	مشارکت
۹	۴/۱۴	۳	۷/۲۱	آسایش فیزیکی
۳	۵/۹۰	۴	۷/۱۰	آسایش روانی
۶	۵/۶۰	۵	۶/۰۶	زیبایی
۵	۵/۷۰	۸	۳/۳۹	ایمنی
۲	۷/۴۵	۲	۷/۸۱	دسترسی
۱	۹/۷۴	۱	۹/۳۳	هویت
۸	۴/۲۳	۹	۲/۱۶	آگاهی
۷	۴/۳۲	۶	۵/۴۳	امنیت

پاسخ سوال‌های پژوهش

- آیا در میزان رضایت از ادراک محیط میان زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد؟

با توجه به تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه از دیدگاه دو گروه مردان و زنان، مشاهده می‌شود که هر کدام نظری متفاوت در ارتباط با کیفیت زندگی در فضاهای شهری دارند. این نتایج همچنین نشان می‌دهند که اولویت‌های تعیین‌کننده کیفیت زندگی در فضاهای شهری برای هر کدام از دو گروه (مردان و زنان)، تفاوت‌هایی با هم دارند. به عنوان مثال مولفه وجود امکانات و تجهیزات کافی از دیدگاه مردان بسیار ضعیف ارزیابی شده است (۹۹ درصد متوسط به پایین)، در حالی که کیفیت همین مولفه برای زنان از شرایط بهتری برخوردار است (حدود ۵۰ درصد متوسط به پایین). پس اولویت‌دهی به هر کدام از مولفه‌ها، از دیدگاه هر کدام، از ادراک متفاوتی برخوردارند (با توجه به تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه).

- چه شاخص و متغیرهایی در میزان رضایتمندی از محیط در زنان و مردان تفاوت معنادار دارد؟

نتایج حاکی از آن است، که دیدگاه‌های هر کدام از پرسش‌شوندگان (مردان و زنان)، در برخی ابعاد نزدیک است مانند بعد عملکرد، در برخی ابعاد مشابه است مانند ابعاد دسترسی و مشارکت و در برخی دیگر نیز کاملاً متفاوت است، مانند ابعاد زیبایی و آسایش روانی (با توجه به تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه).

نتیجه‌گیری

بررسی پژوهش‌ها در ایران توسط نگارندگان نشان داد که تاکنون پژوهش‌های اندکی با تاکید بر عدالت جنسیتی انجام شده است درحالی که تفاوت‌های زیادی میان شاخص‌های کیفیت زندگی فردی و اجتماعی زنان و مردان دیده می‌شود. کیفیت زندگی در فضاهای شهری از جمله متغیرهای مهمی است که بر رضایت شهروندان تاثیرگذار است. در پژوهش حاضر، با در نظر گرفتن مولفه‌هایی که به نوعی معرف کیفیت عملکرد فضاهای شهری بوده اند، این نتیجه را دربردارد که در برنامه‌ریزی شهری برای دستیابی به محیط‌های شهری انسانی‌تر باید به حضور هر دو گروه جنسی (مرد و زن)، به عنوان گروه‌های خاص اجتماعی در فضاهای عمومی شهری توجه داشت تا عدالت جنسیتی برقرار شده و بازتولید فرهنگی شهری حاصل شود. و هر چه فضاهای شهری از کیفیت و مطلوبیت بیشتر و بالاتری برخوردار باشد، زمینه برای انجام تعاملات اجتماعی در پی انجام فعالیت‌های جمعی از قبیل دیدار، گپ و گفتگو، بازی، ورزش و غیره، فراهم شده و فضاهای مذکور در نتیجه فعالیت‌های فوق‌ضمن تبدیل شدن به مکان، واجد شرایط سرزندگی و حیات مدنی می‌شود. این پژوهش درصدد آن بوده است تا معیارها و عواملی را که در ایجاد و افزایش رضایت و مطلوبیت شهروندان (اعم از زن و مرد) از فضاهای عمومی شهری موثرترند را عنوان نموده و مورد تحلیل قرار دهد. جهت مشخص نمودن مهمترین عوامل تاثیرگذار در میزان رضایتمندی، از روش‌هایی مانند (واریانس، انحراف معیار، میانگین و ضریب همبستگی) با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده شد، که دیدگاه‌های زن و مرد تفاوت‌هایی را در مورد کیفیت فضاهای شهری نشان می‌دهد که پیشتر به آن اشاره شد. و نتایج نشان داد که دیدگاه‌های مردان و زنان در برخی از بعدها نزدیک به هم و حتی شبیه، و در ابعاد دیگر تفاوت‌هایی با هم داشتند، در کل با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان وضعیت کیفیت زندگی در فضاهای شهری سنج را متوسط به پایین ارزیابی کرد. همچنین با استفاده از آزمون رتبه‌بندی فریدمن، به رتبه‌بندی مطلوبیت شاخص‌ها، هم از دیدگاه زنان و هم از دیدگاه مردان پرداخته شد. نتایج نشان داد که از دیدگاه زنان، شاخص‌های مربوط به هویت با ارزش عددی (۹/۳۳) مطلوب‌ترین شاخص؛ و شاخص‌های مرتبط با مشارکت با ارزش عددی (۲/۱۲) نامطلوب‌ترین شاخص هستند. همچنین از دیدگاه مردان، شاخص‌های مربوط به هویت با ارزش عددی (۹/۷۴) مطلوب‌ترین شاخص و شاخص‌های مربوط به مشارکت با ارزش عددی (۲/۰۴) نامطلوب‌ترین شاخص هستند.

- و در نهایت در ارتباط با موضوع، عوامل زیر پیشنهاد می‌گردد:
- ایجاد و توسعه فضاهای عمومی متناسب با پایگاه اجتماعی و اقتصادی شهروندان؛
 - ایجاد فضاهای امن و راحت برای گروه‌های مختلف سنی و جنسی و همچنین فعالیت‌های فردی و اجتماعی؛
 - توسعه فضاهای متناسب جهت تفکیک حریم‌ها و مشخص نمودن عرصه‌های مختلف زندگی در مقیاس‌های خصوصی، نیمه‌خصوصی، نیمه‌عمومی و عمومی؛
 - طراحی فضاهای کالبدی جهت ارتقاء برخوردهای اجتماعی و روابط همجواری و همسایگی؛
 - به وجود آوردن فضاهای شهری سرشار از زندگی، حرکت و پویایی؛
 - ایجاد عناصر و اجزای داخل مجموعه به نحوی که یک احساس تعلق، وحدت هویت و شناسایی و تشخیص بصری مجموعه و ایجاد فضاهایی با هویت و آشنا، شرکت موثر داشته باشند؛
 - ایجاد مجموعه و فضاهای زندگی با دارا بودن حداکثر تنوع، همنوایی و گوناگونی، زیبایی و تداوم بصری چشم اندازها؛
 - جلوگیری از تکرار فضاهای یکنواخت در طراحی‌های شهری؛
 - اولویت دادن به حرکت پیاده در مراکز خدماتی جهت تامین حرکت آزاد عابران پیاده با ایمنی و آرامش کامل؛
 - ایجاد مبلمان از جمله نور کافی در فضاهایی که محل عبور و تردد عابر پیاده استفاده به طوری که عابران در شب هم امکان استفاده از فضا را داشته باشند.

References

- Acierno, A. Mazza, A. (2009). *Urban safety and public spaces: the case of Naples*. www.cityfutures.com.
- Ajzashokooi, M., Shirazi, A., & Hadadmoghadam, Z. (2013). Factors Affecting improving the quality of urban life in informal settlements to five people of the cloak (Altamor Mashhad). *Journal of Geography and Regional Development*, 21, 59-79. (In Persian)
- Ameri siahooei, H.R., Rostam gorani, E., & Beyranvandzadeh, M. (2010). Informal settlements, security and sustainable urban development (Case Study: Bandar Abbas). *Journal of Social Studies*, 14 (24), 37- 60. (In Persian)
- Ayzadi, M., Mohammadi, J., Taheri, Z., & Shirkhani, H., (2016). Analysis of the desirability of urban public spaces from the perspective of women (Case Study: District 4 Esfahan). *Journal of Geography and Development*, 42, 127-144. (In Persian)
- Barati, N., & Yazdanpanah shahabadi, M. (2011). *The relationship of social capital and quality of urban life (Case Study: The new City Pardis) Community Cultural Studies*. Institute for Humanities and Cultural Studies, Issue I, 25- 49. (In Persian)
- Begum, J., (2000). *women, environment and sustainable development*. making the links, women and environment, 11- 27.
- Dos, D. (2008). *urban quality of life: a case study of Guwahati*. social Indicators Research, 88.
- Eckersly, R. (1999). *quality of life in Australia (an analysis of public perception)*. National center for epidemiology and health, September 1999, ISSN 1322-5421.
- Fani, Z., Haydari, S., & Aghaei, P. (2015). Measuring the quality of urban life, with emphasis on gender (Case Study: City Qorveh). *Journal of Urban Ecology Research*, 12 (2), 65-78.
- Fani, Z. (2011). Urban women in the labor market: a comparative study of Tehran and Montreal. *Urban and Regional Studies and Research*, 11, 57-74. (In Persian)

- Frick, J., Kaiser, W. (2004). Environmental knowledge and conservation behavior: exploring prevalence and structure in a representative sample. *Personality and individual differences*, 37, 1-27.
- Ghalibaf, M., & Roostaei, M., Ramzanzadeh Lasboei, m., & Taheri, M.R. (2011). Evaluating the quality of urban life Yaft Abad neighborhood of Tehran. *Journal of Association of geography*, 9 (31), 33-53. (In Persian)
- Ghadami, M., & Motamed, S. (2013). Quality of life in small towns with an emphasis on personal and social health (Case Study: City of Noor, Mazandaran). *Journal of Geography and Environmental Planning*, 24 (1), 33- 50. (In Persian)
- Gilbert, A., & Jozef, K. (1996). *Cities, Poverty and Development*. translation Parviz Karimi Nasser, Tehran Municipality.
- Gottdiener, M. & Hutchison, R. (2006). *The new urban sociology 3rd et. bulder*, colo: west view press.
- Hebert, E. (2005). *Commentary: new technologies. public relations, and democracy public relations review*, 1-9.
- Jafari, M., & Zehtabian, Sh. (2006). The creation and development of urban space. *the first international conference of the city Premier, the Premier plan*, Hamedan. (In Persian)
- Jajaromi, K., & Kalteh, E. (2006). Assessment of quality of life in terms of citizens (Case study: Gonbad-e Kabus). *Journal of Geography and Development*, 4 (8), 6-18. (In Persian)
- Jazani, N. (2004). *Gender justice is a prerequisite for sustainable development. In Proceedings of women and development*, assembly, Nasrin Jazani, Shahid Beheshti University of Tehran.
- Khademolhosseini, A., Mansourian, H., & Sattari, M. (2011). Measure the subjective quality in urban areas (Case Study: City Nurabad, Lorestan). *Journal of Geography and Environmental Studies*, 1 (3), 45-60. (In Persian)
- li, G., & Weng, Q. (2007). Measuring the quality of life in city of Indianapolis by integration of remote sensing and census data. *international journal of remote sensing* , 28 (2), 249-267.
- Lotfi, S. (2009). The concept of quality of urban life: definitions, scope and quality of urban planning. *Journal of Human Geography Research*, 1 (4), 65-80. (In Persian)
- Lotfi, S., & Saberi, S. (2012). Assess the quality of urban life by using multi-criteria decision (Case Study: Yasouj areas). *Journal of Geography and Environmental Studies*, 1 (4), 45-59.
- Madanipoor, A. (2008). *Public and private spaces of the city. co-processing and planning of Tehran*, First Edition, Tehran. (In Persian)
- Mamsen, J. (2008). *Gender and development*. translation of Zohreh fani, Tehran: Tehran University Press (first edition). (In Persian)
- Mohammadi, M. (2008). *Gender justice in urban design with an emphasis on women. urban design master's thesis*, University of Science and Technology. (In Persian)
- Rahman & Mittelhamer & Wand Schander. (2003). measuring the quality of life across countries: a sensitivity analysis of well-being indices, *wider international conference on inequality, poverty and human well-being* , may 30 – 31, 2003, Helsinki, Finland.
- Rezvani, M.R., Motakian, A., Mansourian, H., Sattari, M. (2010). Development of indicators to measure the quality of urban life, (Case Study: City Nurabad, Lorestan). *Journal of Urban and Regional Studies and Research*, 1 (2), 87-110. (In Persian)

- Schmitt, R.B. (2002). Considering Social Cohesion in quality of life assessment. *Social Indicators Research*, (58), 403- 428.
- Shah hosseini & Tavakoli, H. (2014). The analysis of indicators of quality of urban life (Case Study: District 21 of Tehran neighborhood Vardavar). *Journal of preparation environment*, 127-144. (In Persian)
- Sally, B., Godfrey Ch., & Propper, C. (1992). *quality of life: perspective and policies*. Roudledge.
- Sharepoor, M. (2010). *Urban sociology*. Third Edition, Tehran, publisher of the Samt. (In Persian)
- Statistical Center of Iran. (1390). province of Kordestan / city of Sanandaj.
- Soltani, L. (2011). *Spatial analysis of indicators of women's enjoyment of urban development (Case study: Isfahan)*, doctoral thesis, Supervisor: dr Ali Zangi Abadi, School of Geographical Sciences and Urban Planning, University of Isfahan. (In Persian)
- Smith, N., & Low, S. (2006). *Introduction: the imperative of public space*. In S.M, Low, N. Smith (Eds). *The politics of public space*. 1-16. New York: Routledge.
- Zolfaghari gargkalaie, S. (2013). *Planning to upgrade the quality of life in urban micro areas*. Master's thesis, the dr Muzaffar exchange tips, shahid Beheshti University, Tehran. (In Persian)

Check Indexes of Quality of Life Individual - Social Urban Spaces with an Emphasis on Gender (Case Study: City of Sanandaj)

Zohreh Fanni

Associate Professor, of Human Geography, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Farid Vahedi Yeganeh*

M.A. Student Geography and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: 2016/09/08

Accepted: 2017/05/18

Extended Abstract

Introduction

Providing maximum economic and social welfare for people is one of the main goals of each economic, political and social system in the world. This means healthy people and healthy city which results in a healthy and dynamic society. Urbanization is one of the most important factors affecting individual and social health of the citizens. The health of the citizens is largely influenced by the social, economic and environmental factors as well as the programs and objectives of the city in which they are living. Promoting the quality of urban life also depends on improving health. In fact, the concept of quality of life is a complex variable that is influenced by many variables. Changes in the level of income, living conditions, health, environment, psychological pressure, active and happy family, social relations and a number of other variables determine the quality of life and its changes. Today, the need to review approaches and urban policies with the aim of reform regarding gender inequality has been taken into consideration. Access to this issue requires a balance and equality in decision-making, to ensure equal opportunities for women and men. Justice is one of the basic concepts of sustainable development, so that sustainable development can not be achieved without justice. Justice for any act which aims to improve the quality of life is considered a prerequisite. Approach to gender equality is considered an important issue in the context of sustainable development, which means an emphasis on women's groups.

Methodology

This study with respect to aim is applied and with regard to data collection is a descriptive-analytic research. First, using documents and literature, the theoretical framework was developed. Then, based on the theoretical framework, variables and the problem of the study were determined. Through structured interviews and questionnaire data were collected. The sample size of ۳۰۰ was calculated by Cochran. Inventory ۱۵۰ (males) and ۱۵۰ (females) were distributed, and reliability analysis using Cronbach's alpha was ۰/۹۹۷ number that indicates the desirability of inventory. And the results were analyzed by SPSS analysis.

Results and discussion

The correlation coefficient, variance, standard deviation and the mean were calculated precisely, which indicate the quality or lack of quality. From the perspective of women, factors such as comfort on the move, the utilization of the natural environment, comfort in interacting with people, protection against the movement of the horse, convenient access to

* Corresponding Author:

Email: farid.v.y1990@gmail.com

public transport safety and a sense of belonging to the place were satisfactory parameters. In contrast, factors such as the participation of all the components of access, and citizens' knowledge of plants and the equipment were rated as low with respect to resident satisfaction. Statistical analyses proved these findings too. Factors such as quality facilities, comfort interacting with people, the comfort of the environment, protection against the traffic roadway, a sense of belonging and attachment to place, local identity and civic culture were rated high by men. In contrast, factors such as the components of the partnership, the components of access and appropriate facilities and equipment, the utility and quality were rated low.

Conclusion

The results showed that from the perspective of women, indicators related to identity (۹,۳۳) are the most favorable indicators and indicators related to participation (۲,۱۲) indices are the most undesirable. Also from the perspective of men, indicators related to identity (۹,۷۴) are the most favorable indicators and indicators related to the partnership with (۲,۰۴) indices are the most undesirable ones.

Key words

Quality of urban life, individual and social health, gender justice, city of Sanandaj